



گزارشی از برگزاری طرح «مغز بادام» ویژه پدربزرگ‌های ساکن محله فرامرز عباسی

طعم شیرین نوه‌دار شدن

● آموختن زندگی اجتماعی، نیاز فرزندان

عبدالرضا ساکنی، متولد سال ۱۳۳۹ و دارای ۹ نوه، یکی دیگر از پدربزرگ‌های حاضر در این مراسم است. او با اشاره به نقش مهم خانواده در اجتماعی شدن کودکان می‌گوید: در گذشته، خانواده‌ها بزرگ و پرجمعیت بودند. اولین هم‌بازی‌های ما در دوران کودکی، پسرها و دخترهای عمو، خاله و دایی بودند. مادرکنار بازی، رقابت، رفاقت، کمک و اجتماعی شدن را می‌آموختیم. به همین دلیل، نسل ما در برابر سختی‌ها مقاوم‌تر بود.

● فرزند بیشتر، برکت بیشتر

علی اصغر سلطانی، متولد سال ۱۳۳۶ و دارای ۶ نوه، یکی دیگر از حاضران در این مراسم، معتقد است زمانی که فرزندی به دنیایم آید، روزی اش را نیز با خود می‌آورد.

سلطانی در این باره می‌گوید: در زمان ما، تعداد بچه زیاد، نشانه خیر و برکت در خانه بود و هیچ پدر و مادری نگران این نبود که چطور باید شکم شش هفت بچه را سیر کند. درآمد پول کم بود، اما برکت داشت. وقتی برای خرید به بازار می‌رفتی، همه ما محتاج را می‌خریدی و باز هم مقداری از پولت باقی می‌ماند. اما امروز چند میلیون تومان پول با خودت می‌بری، باز هم کم می‌آوری.

وی در ادامه با اشاره به دلایل کاهش فرزندآوری می‌افزاید: بسیاری از پدرها و مادرهای جوان امروزی، به خاطر ترس از مسائل اقتصادی، فرزنددار نمی‌شوند. آن‌ها زمانی به این اشتباه پی می‌برند که دیگر خیلی دیر شده است.

پدربزرگ حاضر در این مراسم، دارای چهار نوه است و نوه بزرگش چهارده سال دارد؛ یعنی او در سن چهل سالگی طعم پدربزرگ شدن را چشیده است. گلپهار در توصیف این حس خوب و شیرین می‌گوید: تصور من از پدربزرگ بودن، یک آدم شصت هفتاد ساله با موهای سفید و عصایی به دست بود. اما من در آن زمان، موهای کاملاً سیاهی داشتم و هیچ حس خاصی از پدربزرگ شدن نداشتم. زمانی که نوه‌ام را در آغوش گرفتم، چنان حس خوب و شیرینی پیدا کردم که فقط برای پدربزرگ‌ها قابل درک است. بعضی از دوستان به شوخی می‌گفتند «رضا، چه زود پیر شدی!»

او در ادامه می‌افزاید: حالا وقتی با نوه چهارده ساله‌ام به پارک یا فروشگاه می‌روم، بسیاری از مردم می‌پرسند «دخترتان است؟» و من با افتخار و غرور می‌گویم «او مغز بادام من است».



حسین برادران فرا هفته گذشته، نمازگزاران مسجد عمار یاسر، حال و هوای دیگری داشتند. تعداد زیادی از پدربزرگ‌های محله فرامرز عباسی، برای حضور در طرح «مغز بادام» و مراسم ویژه تقدیر از پدربزرگ‌ها، در این محل حاضر شدند.

چند نفر از پدربزرگ‌ها در این برنامه درباره تعداد نوه‌ها و موفقیت‌های درسی و ورزشی آنان صحبت کردند. این برنامه که برای نخستین بار با هدف قدردانی از پدربزرگ‌های محله برگزار شده، حاصل همت شورای اجتماعی محله فرامرز عباسی و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک بود.

● پدربزرگ چهل ساله

جواد رحیمی، یکی از اعضای شورای اجتماعی محله فرامرز عباسی، با بیان اینکه شصت پدربزرگ ساکن محله، به همت اعضای شورای اجتماعی و هیئت امنای مساجد محله، شناسایی و به این مراسم دعوت شدند، گفت: سن بیشتر پدربزرگ‌ها شصت سال به بالاست. رضا گلپهار و امید کریمی که هر دو متولد دهه ۵۰ هستند، کم‌سن و سال‌ترین پدربزرگ‌های حاضر در مراسم بودند. حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا خواجه‌جوی، امام جماعت مسجد عمار یاسر و سخنران مراسم، نیز با اشاره به تشویق اسلام به فرزندآوری ادامه می‌دهد: فرزندآوری همواره امری مقدس در اسلام بوده و فرزند، ضامن دوام و قوام خانواده و عشق همسران است. رضا گلپهار، متولد سال ۱۳۵۰، جوان‌ترین

نوجوان محله سجاد، ۲ سال پیایی در رشته شنای هنری
مدال طلای کشوری را کسب کرده است

هنر «ترنم»، زیر آب



● مسابقات چطور بود؟

اولین بار که در مسابقات شرکت کردم، کمی استرس داشتم. استخر ورزشگاه آزادی حجم آب زیادی داشت و برای ما جدید بود. اما از سال بعد، با تمرکز و تمرین بیشتر توانستیم تکنیک‌ها را بهتر اجرا کنیم و مدال به دست بیاوریم.

● در هفته چقدر تمرین می‌کنی؟

زمان مسابقات هر روز و روزی پنج ساعت تمرین می‌کنم که شامل حرکات کششی، بدن‌سازی و شنای هنری است. به جز آن، حداقل سه روز در هفته تمرین دارم.

● در چه استخرهایی تمرین می‌کنی؟

استخرهای یاس و سعدآباد؛ زیرا حجم آب و فضای کافی برای تمرینات شنای هنری دارند.

● چه برنامه‌ای برای آینده داری؟

می‌خواهم این رشته را حرفه‌ای ادامه دهم، در رده‌های بالاتر هم مدال کسب کنم و در آینده مربی این رشته شوم.

● در این مسیر چه کسانی مشوقت بودند؟

پدر و مادرم همیشه کنارم بودند و مربیانم بسیار زحمت کشیدند. از همه آن‌ها تشکر می‌کنم.

● رشته شنا چه کمکی به تو کرده است؟

انرژی بیشتری نسبت به هم‌سن و سال‌هایم دارم. اعتماد به نفسم افزایش یافته است و از زندگی لذت می‌برم.

● درباره رشته شنای هنری بیشتر توضیح بده؟

حرکات پا در این رشته اهمیت زیادی دارد و باید با نظم و دقت خاص انجام شود. کار تیمی هم در شنای هنری نقش مهمی دارد.

● چه مدال‌هایی کسب کرده‌ای؟

سال گذشته در مسابقات کشوری تهران، با تیم خراسان رضوی، مدال طلای تیمی کمتر از دوازده سال را کسب کردیم. ماه گذشته در اجرای دو نفره با ثمین بیات ترک، مدال طلای کشور و در مسابقات تیمی کمتر از دوازده سال، مقام اول را به دست آوردیم.



صدرا استخر و شنای برای ترنم تقی‌زاده، نوجوان دوازده ساله ساکن محله سجاد، پراز حس خوب و سبزی زندگی است. او که از شش سالگی پایش به آب باز شده، حالا سال‌هاست که به صورت حرفه‌ای، رشته شنای هنری را دنبال می‌کند. ترنم در دو سال گذشته با تیم خود در مسابقات کشوری خوش درخشیده است و توانسته مدال طلای فردی و تیمی را به دست بیاورد.

● چطور شد که سراغ این رشته رفتی؟

پدرم همیشه علاقه زیادی به ورزش داشت و از کودکی من و برادرم را تشویق می‌کرد که یک رشته ورزشی را به طور حرفه‌ای دنبال کنیم. برادرم شنا را شروع و من هم از شش سالگی آموزش شنا را شروع کردم.

● فکر می‌کردی روزی قهرمان شوی؟

هرکاری را که شروع می‌کنم، دنبال بهترین نتیجه هستم و همه تلاش‌م را می‌کنم. شنا نیز برای من همین‌طور است و همیشه با تمرکز و پشتکار پیش می‌روم.

● چطور با رشته شنای هنری آشنا شدی؟

سه سال پیش به استخر ارمان رفتیم و با اولین مربی ام، خانم فائزه غلامپور، آشنا شدم. دیدن تمرینات و تکنیک‌ها باعث شد این رشته را انتخاب و آن را حرفه‌ای دنبال کنم.